

جنگ ۱۲ روزه نمونه بارز وفاق ملی

محمد یدگلی

کارشناس مسائل سیاسی

اهمیت وفاق ملی در ایجاد ثبات و امنیت اجتماعی نهفته است. زمانی که هم مردم هم گروه‌های سیاسی با یکدیگر همکاری و همفکری داشته باشند، مجال کمتری به اقلیت‌های تندور می‌دهند و می‌توانند به راه حل‌های مؤثری برای مشکلات مشترک دست یابند. این وفاق موجب می‌شود که تنش‌ها و اختلافات کاهش یابد و افراد با دیدگاه‌های مختلف به یکدیگر نزدیک‌تر شوند. چگونگی تحقق وفاق ملی نیازمند اقدامات عملی و برنامه‌ریزی دقیق است. نخستین گام، ایجاد فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر میان اقوام و گروه‌های مختلف است. برگزاری نشست‌ها، کارگاه‌ها و همایش‌ها می‌تواند به تقویت ارتباطات و درک متقابل کمک کند. همچنین، رسانه‌ها نقش مهمی در اطلاع‌رسانی و ترویج فرهنگ وفاق ایفا می‌کنند. وفاق ملی نه تنها به تقویت هویت ملی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز رشد و پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف خواهد بود. این اتحاد می‌تواند به عنوان یک نیروی محرکه در مسیر توسعه پایدار عمل کند و آینده‌ای روشن‌تر برای نسل‌های آینده رقم بزند. نباید فراموش کرد که ایران متعلق به همه ایرانیان است. به نظر می‌رسد همکاری هر چه بیشتر جریان‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و مذهبی حول سه محور مردم، دین و ولایت می‌تواند وفاق ملی را به انسجام ملی تبدیل کند.

جریان‌های سیاسی و اجتماعی می‌توانند نقش کلیدی در ایجاد وفاق ملی ایفاکنند، چرا که آنها بیشتر به عنوان واسطه‌های بین مردم و حکومت عمل می‌کنند. وفاق ملی باعث می‌شود منابع کشور به جای صرف دیگری‌های داخلی، به سمت رشد اقتصادی، توسعه علمی و اجتماعی هدایت شوند؛ در مقابل، نبود وفاق ملی می‌تواند به بی‌ثباتی، هدررفت منابع و تضعیف زیرساخت‌های توسعه منجر شود. جریان‌های فکری، سیاسی و اجتماعی هر کشوری باید حول محور منافع کل آن کشور با نظام با هم به توافق برسند و اختلافاتی که دارند در جزئیات و ذیل آن نظام تعریف شود، بنابراین باید روی محورهای کلی وفاق داشته باشند.

در جامعه ما یکی از محورهای وفاق ملی همان بحث عدالت خواهی است که می‌تواند انسجام جریان‌های مختلف فکری را موجب شود. وفاق ملی و عدالت اجتماعی به شدت به یکدیگر وابسته‌اند به طوری که بدون عدالت، وفاق ملی پایدار نخواهد بود زیرا نابرابری و احساس تبعیض می‌تواند موجب شکاف اجتماعی شود. وفاق ملی نقطه اصلی اتکای ما برای حل نه تنها مسائل سیاست خارجی، بلکه تمامی مشکلات گریبان‌گیر در کشور است.

ما نباید دانسته و یا نادانسته به شکاف اجتماعی و دعوای سیاسی در جامعه دامن بزنیم. دولت برای اینکه بتواند در عرصه سیاست خارجی و نظام بین‌الملل پشتوانه محکمی داشته باشد، ابتدا باید بتواند وفاق ملی را در داخل کشور و در میان مردم تقویت کند. به نظر می‌رسد حل دشواری چپستی وفاق ملی و دشواری‌های دستیابی به آن، مستلزم نگاهی عمیق به این مقوله و نیز بهره‌گیری از رویکرد دانش سیاست‌گذاری عمومی برای ایجاد سازگاری‌های برقراری وفاق ملی در ایران است. برای ایجاد وفاق بین جریان‌های مختلف فکری باید تمسک به قانون اساسی و مبانی اصلی آنکه تعهد به اسلام و ولایت فقیه است، تقویت شود و با این رویکرد وفاق ملی تدارک دیده شود.

بهره‌گیری از پتانسیل کشورهای همسایه و حوزه خلیج فارس، نگاه واقع‌بینانه دولت به بریکس و سازمان همکاری‌های شانگهای، جلوگیری از تحلیل و تخلیه سرمایه‌ها و ذخایر راهبردی کشور نظیر نیروی انسانی توسعه یافته، تدوین گفتمان و سند راهبردی سیاست خارجی، تشکیل سراز کارهای سراز هماهنگی در عرصه سیاست خارجی از سوی دولت، ارتباط مستمر دولت با دانشگاهیان، لزوم توجه کل تکر دولت به مسائل سیاست خارجی، توجه به ظرفیت ژئواکونومی ایران، توسعه راهبرد وفاق دولت چهاردهم به عرصه سیاست خارجی در تعامل با سایر نهاد‌های تصمیم‌ساز در کشور، اتصال ایران به زنجیره ارزش جهانی از مهم‌ترین نکات است. وقتی از وفاق سخن به میان می‌آید، مهم‌ترین مؤلفه، ایجاد فرصت برابر برای همه اقشار این کشور است؛ یعنی هر کسی شایستگی داشت باید بتواند در مسند قرار بگیرد، فارغ از اینکه چه تفکر سیاسی داشته باشد یا از چه قومیت، مذهب و جنسیتی باشد.

این نکته مورد تأکید رئیس محترم جمهوری در سخنرانی‌های مختلفشان است. یکی از اصلی‌ترین موارد توسعه و پیشرفت در کشور ما هم‌راهی، همکاری و همکاری همه نیروهای اجتماعی است. کشور ما امروز در مقابل استیکار جهانی قرار گرفته که از امکانات جهانی برخوردار است. لذا ما در داخل کشور خودمان نمی‌توانیم امکانات خود را متفرق کنیم، به کدام مصادیق در کشور خودمان و عرصه بین‌الملل می‌توان به عنوان نتایج وفاق ملی اشاره کرد؟ در ایران، همکاری ملی در طول جنگ دوازده روزه رژیم صهیونی، نمونه بارز وفاق ملی بود؛ در طول این دوازده روز، وفاق ملی میان اقشار مختلف مردم و گروه‌های سیاسی ایستادگی کشور در برابر حملات خارجی را باعث شد. می‌توان گفت بزرگ‌ترین مزیت انقلاب اسلامی در مقابل نظام جهانی تأکید بر معنویات و ارزش‌های انسانی و الهی است که ما برای نشان دادن برتری نظام اسلامی باید روی همین ارزش‌های انسانی و الهی تأکید فراوان داشته باشیم و موارد خلاف اخلاق الهی و انسانی که در غرب مشاهده می‌شود را گوشزد کنیم. بی‌تردید وفاق و همکاری ملی برای ارتقای تصویر ایران به افزایش قدرت نرم و عزت ملی منجر خواهد شد و حاصل این افزایش قدرت نرم کشورمان می‌تواند در حوزه‌های ملموس‌تر نظیر سیاست، اقتصاد و اجتماع نیز بروز و ظهور یابد.

کمال الدین پیرمژدن در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

هیچ راهی جز افزایش مشارکت مدنی نداریم



جامعه ایران بیش از همیشه به تحول نیاز دارد

ارادت جای مهارت را در مدیریت کشور گرفته است

آرمان ملی – احسان انصاری: آیا شرایط کشور در جنگ ۱۲ روزه مورد آسیب شناسی قرار گرفت؟ اگر گرفت چرا نتایج آن در اختیار افکار عمومی قرار نگرفته و اگر نگرفته چرا چنین اتفاقی رخ داده است؟ آیا روند تصمیم‌گیری‌ها در کشور پس از جنگ ۱۲ روزه نیاز به تجدیدنظر و اصلاح سیاست‌های اشتباه گذشته ندارد؟ دولت پزشکيان در شرایط دوران پس از جنگ چه تغییر و تحولی در روند مدیریتی خود ایجاد کرده که بتواند با بحران‌های مهم کشور مواجه شود و آنها را حل کند؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با کمال الدین پیرمژدن نماینده‌ادوار مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده است. پیرمژدن در این زمینه معتقد است: «کشوری که نیاز به تحول و تغییر دارد باید از همین امروز تحول را آغاز کند. اگر تحول شکل بگیرد تهدیدها خارجی و داخلی نیز از

◀ **به چه میزان برای حفظ انسجام و همبستگی ملی در دوران جنگ ۱۲ روزه تلاش شد؟ چرا خیلی زود در حال بازگشت به دوران قبل از جنگ هستیم؟**

امروز جامعه ایران بیش از همیشه نیاز به تحول دارد و ما باید این نکته را در نظر داشته باشیم که در صورتی که فرصت‌ها استفاده نکنیم این فرصت‌ها در نهایت به تهدید تبدیل خواهد شد. ما باید بپذیریم که درد از خودمان است و به همین دلیل درمان هم باید از سوی خودمان انجام شود. اگر تاریخ را مطالعه کنید متوجه خواهد شد که به اندازه‌ای که کشور از نادانان و تندروها ضربه خورده از دشمن خارجی ضربه نخورده است. امروز هم این وضعیت وجود دارد و نادانان و تندروها به شکلی رفتار می‌کنند که امیدها و فرصت‌ها از بین برود، واقعیت این است که امروز ارادت جای مهارت را در مدیریت کشور گرفته و به همین دلیل نمی‌توان با این افراد زیاد به تغییر و حل مشکلات کشور خوشبین بود. یکی از این موارد بحران انرژی است که به جای اینکه به صورت تخصصی و علمی مورد بررسی قرار بگیرد تلاش می‌کنند دیگران را مقصر جلوه دهند و مسئولیت آن را نپذیرند. این در حالی است که در همین زمینه کارشناسان و متخصصان از سال‌ها و بلکه دهه‌ها قبل هشدارهای لازم را داده بودند که در صورت ادامه این روند کشور با بحران بی‌آبی و قطعی برق مواجه می‌شود. با این وجود کسی به این هشدارها توجه نکرد تا کار به جایی برسد که امروز بحران انرژی برای کشور به یک ابربحران تبدیل شده است. آرمان‌های انقلاب و امام تعالی و فراه بیشتر زندگی مردم بود که متأسفانه با برخی تصمیم‌های نادرست محقق نشده و بلکه امروز مردم در زندگی خود با چالش‌های مهم اقتصادی مواجه هستند.

◀ **در شرایط کنونی کشور با چالش‌های مهم داخلی مواجه شده ضمن اینکه خطر جنگ هنوز به صورت کامل از سر کشور برداشته نشده است. آیا در چنین شرایطی نیز می‌توان به سمت تغییر و تحول حرکت کرد؟**

من معتقدم جلوی ضرر را از هر زمانی بگیردی منفعت است. کشوری که نیاز به تحول و تغییر دارد باید از همین امروز تحول را آغاز کند. اگر تحول شکل بگیرد تهدیدها خارجی و داخلی نیز از بین می‌رود و بلکه به فرصت تبدیل می‌شود. هیچ راهی نیز مشارکت مردم و باز کردن فضا برای حضور مردم در تصمیم‌گیری‌های نظام وجود ندارد. دوران انحصارگرایی و خود حق‌پنداری به سر آمده و نباید اجازه داد یک اقلیت خاص به روی گروه‌های سیاسی تیغ بکشند. امروز مردم در برخی موضوعات ناراضیتی دارند و دنبال این هستند که مدیران جامعه در زندگی آنها تغییر ایجاد کنند. نباید این فرصت را از دست داد و اجازه داد مردم بیش از این ناامید شوند. امروز ما در وضعیت دشوار قرار داریم و عبور از این وضعیت نیز تنها با مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها محقق خواهد شد. ما باید شرایط جنگ ۱۲ روزه را آسیب شناسی کنیم تا بهتر بتوانیم مشکلات را حل کنیم و چشم‌انداز آینده را ترسیم کنیم. به عنوان نمونه در جنگ ۱۲ روزه اتفاقاتی افتاده



بین می‌رود و بلکه به فرصت تبدیل می‌شود. هیچ راهی نیز مشارکت مردم و باز کردن فضا برای حضور مردم در تصمیم‌گیری‌های نظام وجود ندارد. دوران انحصارگرایی و خود حق‌پنداری به سر آمده و نباید اجازه داد یک اقلیت خاص به روی گروه‌های سیاسی تیغ بکشند. امروز مردم در برخی زمینه‌ها ناامید هستند و به دنبال این هستند که مدیران جامعه در زندگی آنها تغییر ایجاد کنند. نباید این فرصت را از دست داد و اجازه داد مردم بیش از این ناامید شوند. امروز ما در وضعیت بحرانی قرار داریم و عبور از این وضعیت نیز تنها با مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها محقق خواهد شد. ما باید شرایط جنگ ۱۲ روزه را آسیب شناسی کنیم تا بهتر بتوانیم مشکلات را حل کنیم و چشم‌انداز آینده را ترسیم کنیم. در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

دارند. مجلس باید برای این مشکلات راه حل پیدا کند و نه اینکه وقت خود را صرف دعوای‌های سیاسی و سنگ‌اندازی در مسیر دولت کند. عدم تعامل سازنده با جهان و عدم استفاده از نخبگان در سال‌های اخیر چالش‌هایی زیادی برای کشور به وجود آورده که یکی از آنها مشکلات بین‌المللی کشور بوده است. این وضعیت رانیز تمامیت‌خواهان و خود حق‌پنداران برای کشور به وجود آوردند که تنها به دنبال اهداف سیاسی و اقتصادی خود بودند. این افراد با رویکرد فراقانونی‌که داشتند در زمینه داخلی و به خصوص اقتصادی برای کشور چالش‌آفرین بودند. من معتقدم در چنین شرایطی رخداد هرگونه خطا و لغزشی از نیروهای سیاسی و یا بخش‌های دیگر می‌تواند فاجعه‌آفرین باشد که هیچ ایرانی شرافتمند و آزاده خواهان آن نیست.

◀ **روند تصمیم‌گیری‌ها در دولت پزشکيان در دوران پس از جنگ به چه صورت بوده است؟ آیا این روند امیدآفرین بوده است؟**

آقای پزشکيان همواره مخالف تندروی بودند و همواره به دنبال این بودند که از همه نیروهای دلسوز کشور استفاده کنند. در شرایط کنونی مردم سه مطالبه جدی یعنی امنیت، عدالت و فراوانی از مسئولان کشور دارند. واقعیت این است که آنچه ملاک عمل مسئولان کشور است قضاوت و رضایت مردم است که در شرایط کنونی این رضایت وجود ندارد و یا اگر دارد کم‌رنگ است. البته دولت آقای پزشکيان همه تلاش خود را در راستای تحقق مطالبات مردم انجام داده و من فکر می‌کنم در این زمینه حرف و حدیثی وجود ندارد. آقای پزشکيان به دنبال وحدت و وفاق ملی هستند و تلاش می‌کنند در شرایط خطیر کنونی که جنگ طلبی‌ها و تنش‌آفرینی‌های آمریکا و متحدانش بیشتر شده رویکرد تعاملی و سازنده‌ای در مدیریت کشور هم در زمینه داخلی و هم بین‌المللی در پیش بگیرند. با این وجود رویکردی که ترامپ نسبت به جمهوری اسلامی در پیش گرفته وضعیت ما را در عرصه بین‌المللی با چالش‌های جدی‌تری مواجه کرده و وی هر روز تنش‌آفرینی جدیدی علیه ایران اتخاذ می‌کند. در چنین شرایطی تندروی‌های داخلی نیز مزید علت شده و شرایط را برای دولت پیچیده‌تر کرده است. این افراد بی‌کفایتی‌های خودشان را در دولت‌های احمدی‌نژاد و سیدزهد فراموش کرده‌اند که با چه وضعیتی کشور را اداره می‌کردند و مسبب اصلی مشکلات امروز کشور به شمار می‌روند. من معتقدم پزشکيان در منش و روش بسیاری از سنت‌های دیرپای ناروا را از بین خواهد برد. در چنین شرایطی گروه‌های مرجع و همه کسانی که دغدغه اعتلای کشور دارند باید به منظور پایان دهی به رفتارهای غیر قانونی و نامهربانانه افراطیون‌نی که در پشت صحنه می‌کوشند اهداف خطرناک خود را به دست برخی نهاد‌ها به مرحله اجرا درآورند دست به‌کار شده و ظرفیت‌های خود را به صحنه بیاورند. در چنین شرایط این گروه بیش از این دیگر نخواهند توانست به کشور، نظام و حق حاکمیت ملت ملتمس وارد کنند.

علی صوفی:

پزشکيان خیلی هنر کند بتواند قدری به معیشت مردم برسد

آقای پزشکيان شرایط داخلی را بهانه‌کند بلکه از نظر بعضی‌ها این احتمال قویاً هم وجود دارد. طبعاً در این شرایط آقای پزشکيان خیلی هنر کند بتواند قدری به معیشت مردم برسد که آن هم متأسفانه

با برنامه پیش نمی‌رود. وی ادامه داد: این وضعیت کشور خیلی تقصیر آقای پزشکيان نیست چون شرایط نسبت به آنچه‌او و رای دهندگان به‌او تصور می‌کردند کاملاً عوض شده است. امروز یک حالت صبر و انتظاری وجود دارد و مشخص نیست در آینده چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد. صوفی درباره آینده دولت پزشکيان گفت: اصلاً آینده بسیار مبهم است؛ ۳ سال آینده که هیچ، حتی یک سال بعد را نیز نمی‌توان پیش بینی کرد. فکر نمی‌کنم در این اوضاع

شرایط منطقه‌ای گرفته تا جنگ تحمیلی ۱۲ روزه همه امور کشور راتحت شعاع قرار داد. هیچ‌کدام ما انتظار نداشتیم اوضاع به این شدت وخیم شود، به طوری که ابتکار عمل را از دست همه بگیرد. علی صوفی گفت: پیش از جنگ و در جریان مذاکرات، آقای پزشکيان هیچ‌چنان امیدوار و ذهنش متمرکز بود تا یکسری کارها را انجام دهد اما جنگ اوضاع را به هم زد.

در این شرایط خیلی نمی‌توان از آقای پزشکيان انتظار داشت چون یکسری مسائل که قبلاً اولویت بودند الان فرعی محسوب می‌شوند و دیگر جزء موضوعات اصلی کشور قرار نمی‌گیرند. دبیر کل حزب پیشرو اصلاحات بیان کرد: وضعیت کشور را فرمز خواند و اظهار کرد: نه تنها

گزارش

رحمان قهرمانپور مطرح کرد

فعال شدن مکانیسم ماشه

فضای بی‌اعتمادی را تشدید می‌کند

یک کارشناس مسائل بین‌الملل اظهار داشت: صحبت‌های اخیر ترامپ موضوع مهمی است به ویژه از این جهت که از آن چیزی که ترامپ به عنوان توافق با مذاکره مطرح می‌کند، با آن برداشتی که طرف ایرانی دارد متفاوت است. به عبارت ساده‌تر، ترامپ مذاکره را اینگونه مطرح می‌کند که اگر ایران حاضر است با شرایط کانکار بیاید، سر میز مذاکره حاضر شود. بنابراین براساس نظر ترامپ، نمی‌شود که ایران بگوید یک شرط را قبول دارم اما شرطی دیگر را نه. این نکته مهمی است و شاید یکی از دلایلی که فعلاً بحث توقف در روند مذاکرات شده همین امر است. درواقع ایران انتظار دارد مثل دوران بایدن، مذاکرات حول محور موضوعات مشخص، مکتوب و مثل سند بجام باشد اما ترامپ وارد جزئیات نمی‌شود. کلی‌گفت‌وگو می‌کند و معتقد است ابتدا باید طرفین اصل توافق را بپذیرند و سپس کارشناسان راجع به جزئیات و مسائل فنی بحث کنند. بنابراین در این بخش، اختلاف نظر جدی وجود دارد. وی افزود: وقتی ترامپ می‌گوید ایران نباید غنی‌سازی کند به این معناست که اگر ایران بخواهد توافق انجام دهد باید شرط «غنی‌سازی صفر» را هم بپذیرد. این شرایط باعث شد که هم حمله آمریکا به فردو رخ دهد و هم مذاکرات متوقف شود. در واقع چارچوب هم‌بخورد آمریکا با مسئله ایران «دیپلماسی اجبار» استفاده از زور و قدرت نظامی در صورت به بن بست رسیدن دیپلماسی، بنابراین وقتی توافقی نشد و آمریکا به این نتیجه رسید که ایران نمی‌خواهد توافق کند، بحث حمله سناریوی مذاکره و اگر مذاکره موفق نباشد حمله نظامی را مطرح می‌کند. این تحلیلگر سیاست بین‌الملل درخصوص علل اصلی حمله اسرائیل به ایران گفت: در ادبیات سیاست بین‌الملل به رفتار اسرائیل، «جنگ پیش‌دستانه» گفته می‌شود. یعنی بیش از اینکه مسئله تهدید ایران مطرح باشد، اسرائیل به این نتیجه رسید که فرصتی که در اختیار داشت، تکرار نشدنی است. در واقع اسرائیلی‌ها معتقد بودند که اگر ریسک حمله به ایران را به جان نخرند، به تعبیر خودشان، تهدید ایران از کنترل خارج می‌شود. بنابراین با وجود همه مخاطرات بزرگ موجود، حمله را انجام دادند. شاید به همین دلیل بود که آینده‌پژوه‌ها به این وضعیت «شگفتی» نام داده بودند. درواقع شرایط به شکلی بود که نمی‌شد با قطعیت گفت حمله رخ می‌دهد یا خیر. اسرائیل احساس می‌کرد بعد از عملیات ۱۷اکتبر و تضعیف محور مقاومت یک فرصت بی‌نظیر ایجاد شده که باید از آن نهایت بهره را ببرد و با تهدید هسته‌ای ایران مقابله کند. آمریکا نیز با اسرائیل همراهی کرد و در نهایت نیز تزامی توقف جنگ را رقم زد.

آمریکا و دیپلماسی اجبار

قهرمانپور در خصوص احتمال حمله مجدد اسرائیل به ایران اظهارکرد: شروع جنگ، یک شگفتی بود؛ مثل بحران مالی ۲۰۰۸ که هیچکس نمی‌توانست آن را پیش‌بینی کند. اگرچه برخی پیش از وقوع بحران می‌گفتند ممکن است اوضاع بحرانی شود اما هیچکس نمی‌توانست بگوید چه زمانی این اتفاق رخ می‌دهد. اما وقتی بحران مالی ۲۰۰۸ از حالت شگفتی به حالت «روند» تبدیل شد، امکان تجزیه تحلیل این روند نیز ایجاد شد. بنابراین سوال ما هم این نخواهد بود که اسرائیل حمله می‌کند یا خیر بلکه سوال اصلی این است که در چه صورتی احتمال حمله اسرائیل بیشتر است چرا که با یک روند روبه‌رو هستیم. زمانی اسرائیل حمله را انجام می‌دهد که دو باره است: اول: دوباره بحث تهدید هسته‌ای ایران جدی شود. مثلاً اگر ایران از NPT خارج شود یا با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطع همکاری کند یا درباره ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ایران هیچ اطلاعاتی وجود نداشته باشد. دوم: اگر تنش بین ایران و آژانس و ایران و آمریکا بدون شکل‌گیری توافق تشدید شود. در سناریوهای مذکور، نه تنها اسرائیل تلاش می‌کند از فرصت به دست آمده برای حمله نظامی استفاده کند، بلکه آمریکا نیز سناریوی دیپلماسی اجبار را با شدت ادامه می‌دهد. وی درباره مکانیسم ماشه و تأثیر آن بر افزایش تنش‌ها گفت: نمی‌توان گفت که مکانیسم ماشه به تنهایی روی وقوع حمله مؤثر است. درواقع نمی‌توانیم تأیید کنیم که به محض فعال‌سازی مکانیسم ماشه، اسرائیل هم حمله می‌کند. اما واقعیت این است که فعال شدن مکانیسم ماشه در شرایط موجود به تشدید بی‌اعتمادی و تشدید فضای منفی علیه ایران کمک خواهد کرد. ممکن است اسرائیل و آمریکا این موضوع را به عنوان بهانه‌ای برای حمله در ماههای آینده در نظر بگیرند و جامعه بین‌الملل را قانع کنند که ایران قصد همکاری ندارد. درواقع گرچه مکانیسم ماشه به تنهایی باعث حمله نمی‌شود اما می‌تواند سلسله اقداماتی را رقم زند که این اقدامات در نهایت منتهی به افزایش تنش بین ایران، آمریکا و اسرائیل شود.